

دلایل وجوب خمس و مصارف آن از نظر شیعه

خدیجه فتحی^۱

چکیده

خمس از جمله مهمترین واجبات در فقه شیعه است که تاکید بسیاری بر آن شده است و از فروعات دین محسوب می گردد. خمس یکی از احکام مالی است که در فقه با توجه به آیات قرآن مصارفی برای آن بیان شده است از جمله مصرف آن برای رسول خدا و ائمه معصوم (علیهم السلام)، یتیمان، مساکین و فرزند راه یعنی در راه ماندگان است. در حال حاضر در جامعه پرداخت خمس کمرنگ شده و افراد بدون توجه به وجوب و فوائد بی شمار آن و آسیب های پرداختن خمس، از انجام این فریضه اجتناب می کنند در حالی که خمس مانند نماز، روزه، حج و... دارای وجوب است و انجام آن بر کسانی که شرایط آن را دارا هستند واجب است. از طرفی در دین اسلام هر فعل و امری که دارای حکم تکلیفی باشد، در بر گیرنده ملاک و مصلحت های به خصوصی است که انجام این احکام، باعث شکل گیری این مصلحت ها و رسیدن افراد به سعادت می شود و مساله خمس نیز از این قاعده مستثنی نیست. در زمینه خمس، مانند برخی از احکام، میان شیعه و سنی اختلاف نظر در مصارف، متعلقات و محاسبه آن دیده می شود که این اختلافات باعث ایجاد احکام متفاوت در این دو فرقه شده است که در عین حال، دیدگاه شیعه مورد توجه است. حال این سوال پیش می آید که دلایل وجوب خمس و مصارف آن از نظر شیعه چگونه است؟

کلیدواژه: خمس، دلایل خمس، مصارف خمس، وجوب خمس، شیعه

مقدمه

در نظر شیعه خمس یکی از احکامی است که از طرف پروردگار بر انسان های دارای شرایط پرداخت آن واجب شده است و به غنیمت هایی که انسان به دست می آورد تعلق می گیرد که باید در محل هایی که شرع معین نموده است پرداخت گردد. با توجه

^۱ - طلبه سطح دو، مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام)

به اهمیت انجام تکالیف الهی و این که انجام ندادن اوامر پروردگار باعث ضرر و زیان دنیوی و اخروی انسان ها می باشد و اینکه افرادی در وجوب این حکم الهی تردید ایجاد کرده اند بر آن شدیم تا در این مقاله به این سوال پاسخ دهیم که آیا خمس واجب است؟ آیا در قرآن مطلبی در وجوب خمس بیان شده است؟ خمس به چه چیزهایی تعلق گرفته و در چه راهی باید صرف گردد؟

در موضوع خمس مقالات و کتب متعدد و فراوانی نوشته شده است از جمله کتاب خمس از حضرات آیات مراجع تقلید از جمله شیخ اعظم مرتضی انصاری، مکارم شیرازی، سبحانی، و دیگر بزرگان همچنان بحث های مختلفی در مقالات درباره وجوب خمس و مصارف آن به میان آمده است از جمله مقالات مراجع تقلید و نویسندگانی همچون آقای نیکزاد و آقای جباری و آقای یآوری که در منابع به مقالاتشان اشاره شده است.

تفاوت این مقاله این است که موضوع آن، از نظر علمای شیعه بررسی شده و فقط دیدگاه آنان را در مورد دلایل قرآنی و روایی خمس و مصارف آن آورده شده است، ولی موضوعات دیگر در مورد دلایل وجوب خمس با استدلالهای فقیهان اهل سنت در سنت نبوی و استناد به روایات معصومین (علیهم السلام) است و آنان خمس را منحصر در غنایم جنگی می دانند و روایاتی که خمس را برای شیعیان مباح می داند، بعضی هم به تحولات تاریخی خمس در عصر حضور و غیبت پرداخته است و بخشی هم در مورد فلسفه تشریع و جایگاه خمس در اقتصاد اسلامی آمده است و برخی هم به شبهاتی که از این قبیل آمده پاسخ داده اند.

دلایل وجوب خمس

دلایل قرآن

در قرآن کریم آیه ای به آیه خمس مشهور شده است که آیه ۴۱ سوره انفال می باشد:

﴿وَاَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ

الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱) و بدانید آنچه را که سود می‌برید برای خدا است پنج یک آن و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان، اگر به خدا و آنچه را که در روز فرقان روزی که دو گروه یکدیگر را ملاقات کردند بر بنده‌مان نازل کردیم ایمان آورده‌اید، و خداوند بر هر چیز توانا است (۴۱).

با بررسی پیرامون این آیه سوالات مورد نظر به دست می‌آید این آیه صراحت دارد در پرداخت خمس البته در غنایم و بحث‌های مفصلی پیرامون کلمه غنیمت شده است و همه تفاسیر شیعه و سنی به این کلمه پرداخته‌اند حداقل چیزی که به دست می‌آید پرداخت خمس است که مکلفین باید از غنایم خود خمسش را بپردازند اما با کمک روایات امامان شیعه علما از کلمه غنیمت هر منفعتی را برداشت کرده‌اند چه از جنگ چه از غیر جنگ لذا وجوب خمس را در رساله‌های خود بیان داشته‌اند. برای بررسی بهتر این تفاسیر به بعضی از تفاسیر شیعه اشاره کرده ایم:

مفسران درباره این آیه از جهات مختلفی بحث کرده‌اند؛ لکن ما تنها به بحث از دو جهت بسنده می‌کنیم؛ زیرا اولاً، ظاهر آیه بر همین دو جهت دلالت دارد و نه بر سایر جهات. ثانیاً، جهات دیگر، عملاً هیچ اثری ندارند. اما آن دو جهتی که ما درباره آنها سخن خواهیم گفت، عبارتند از: تعیین معنای واژه غنیمت و بیان اشخاصی که استحقاق خمس را دارند. شیعه و سنی در خصوص معنای غنیمت که در آیه آمده، اختلاف دارند. شیعه می‌گوید: غنیمت گسترده‌تر از چیزی است که مسلمانان آن را با جنگ از کفار می‌گیرند. این واژه شامل موارد زیر می‌شود: معدن نفت، طلا و دیگر معادن، گنجی که زیر زمین دفن شده باشد، در صورتی که صاحبش مشخص نباشد، آنچه را انسان با غواصی از دریا بیرون می‌آورد؛ نظیر مروارید، مازاد بر مصارف سالانه انسان که آن را از طریق کار و کسب به دست می‌آورد، مال حلال مخلوط به حرام در صورتی که نه حرام مشخص باشد، نه مقدار و نه صاحب آن و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

تفصیل و بیان جزئیات این موضوع در کتاب‌های فقه شیعه موجود است و از جمله آنها در جزء دوم از کتاب ما، فقه الامام جعفر الصادق. بنابر نظریه شیعه، مسئله خمس از لحاظ عملی واقعیت خارجی دارد.^۱

«بیان آیات توضیح و تفسیر مفردات و جملات آیه شریفه مربوط به خمس: "وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ..."»

این آیات مشتمل است بر بیان وجوب دادن خمس غنیمت، و استقامت در برابر دشمن، و اندرز آنان و بیان پاره‌ای از نکبت‌ها که خداوند دشمنان دین را بدان مبتلا کرده، و بیچاره شدنشان به مکر الهی، و اینکه خداوند در بین آنان همان سنتی را معمول داشته که در میان قوم فرعون و کسانی که پیش از ایشان بودند بخاطر تکذیب آیات و جلوگیری از راه او معمول داشته است.

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ...﴾ کلمه "غنم" و "غنیمت" به معنای رسیدن به در آمد از راه تجارت و یا صنعت و یا جنگ است، و لیکن در این آیه بملاحظه مورد نزولش تنها با غنیمت جنگی منطبق است.

راغب می‌گوید: "غنم" - به دو فتحه - معنایش معروف است، خدای تعالی فرموده: ﴿وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمَنا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا﴾ - و از گاو و گوسفند پیه آن دو را بر ایشان حرام کردیم "و" غنم - به ضمه حرف اول و سکون حرف دوم - به معنای رسیدن و دست یافتن به فائده است، و لیکن در هر درآمدی که از راه جنگ و از ناحیه دشمنان و غیر ایشان به دست آید استعمال شده، و به این معنا است آیه ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ﴾ و آیه ﴿فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا﴾. و کلمه "مغنم" به معنای هر چیزی است که به غنیمت درآید و جمع آن "مغانم" می‌باشد.^۲

«خمس: خمس بر وزن غُنُق پنج یک و یک پنجم است و آیه صریح است در این که یک پنجم غنائم مال خدا و فِرَق پنجگانه دیگر است این آیه از چند جهت قابل دقت

^۱ - مغنیه، ترجمه تفسیر کاشف ص ۳

^۲ - ترجمه تفسیر المیزان طباطبائی ص ۱۱۷

است: غنیمت فقط به معنی غنائم جنگی نیست در اقرب الموارد آن را غنائم جنگی و هر چیزی که بدست آید، معنی کرده. در المنجد آن را غنائم جنگی و هر فائده دیگر گفته است.

از نهج البلاغه نامه ۴۵ پیداست که مراد از غنائم اموال و فائده‌های دنیا است نه غنائم جنگی، آنجا که فرموده: به خدا از دنیای شما ریزه زری و ریزه نقره‌ای خزانه نکردم و از غنائم آن مالی نیاندوختم.»

راغب در مفردات گفته: غنم بر وزن فرس معروف است ... و غنم (بر وزن قفل) رسیدن به گوسفند و بدست آوردن آن است سپس در هر چیزیکه از دشمن و غیره بدست آید بکار رفته است.

از اینجاست که اهل بیت علیهم السلام آنرا هر فائده گرفته‌اند در کافی از سماعه منقول است که از ابو الحسن علیه السلام از خمس پرسیدم فرموده: آن در هر چیزی است که مردم فائده برده‌اند کم باشد یا زیاد. وانگهی مورد آیه گر چه جنگ بدر است ولی مورد مخصّص آیه نیست بلکه غنائم جنگ بدر سبب صدور این حکم کلی شده است.

در اقرب الموارد آمده: غنیمت آنست که از محاربین در حال جنگ گرفته شود و هر شیء بدست آمده غنم، مغنم و غنیمت نامیده می شود.

طبرسی رحمه الله در ذیل آیه ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ ...﴾ در بیان «اللغة» آن را غنیمت جنگی گفته در ذیل «المعنی» فرموده: در عرف لغت به هر فائده غنم و غنیمت گفته می شود.

خلاصه آنکه: غنیمت در اصل بمعنی کلّ فائده است. و ظهور ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ﴾ نساء: ۹۴. در کلّ فائده است چنانکه طبرسی آن را فواضل نعمت ها و رزق گفته است. ظهور آیه می رساند که خمس یک حکم تشریعی ابدی است در هر فائده که به انسان می رسد خواه بوسیله جنگ باشد یا غیر آن و اینکه مورد نزول آیه غنائم جنگی است

بنا بر این آنها که یک سهم از خمس را متعلق به همه خویشاوندان پیامبر می‌دانند در برابر این سؤال قرار می‌گیرند که این چه امتیازی است که اسلام برای اقوام و بستگان پیامبر ص قائل شده است، در حالی که می‌دانیم اسلام ما فوق نژاد و قوم و قبیله است.

ولی اگر آن را مخصوص امامان اهل بیت بدانیم با توجه به اینکه آنها جانشینان پیامبر و رهبران حکومت اسلامی بوده و هستند علت دادن این یک سهم از خمس به آنها روشن می‌گردد، به تعبیر دیگر "سهم خدا" و "سهم پیامبر" و "سهم ذی القربی" هر سه سهم متعلق به "رهبر حکومت اسلامی" است، او زندگی ساده خود را از آن اداره می‌کند و بقیه را در مخارج گوناگونی که لازمه مقام رهبری امت است مصرف خواهد نمود، یعنی در حقیقت در نیازهای جامعه و مردم.

- منظور از "یتیمان" و "مسکینان" و "واماندگان در راه" تنها ایتام و مساکین و ابناء سبیل بنی هاشم و سادات می‌باشند، اگر چه ظاهر آیه مطلق است و قیدی در آن دیده نمی‌شود، دلیل ما بر این تقیید روایات زیادی است که در تفسیر آیه از طرق اهل بیت وارد شده و می‌دانیم بسیاری از احکام در متن قرآن به طور مطلق آمده ولی "شرائط و قیود" آن بوسیله "سنت" بیان شده است و این منحصر به آیه مورد بحث نیست تا جای تعجب باشد.

منظور از سهم خدا چیست؟ ذکر سهمی برای خدا به عنوان "الله" به خاطر اهمیت بیشتر روی اصل مسئله خمس و تاکید و تثبیت ولایت و حاکمیت پیامبر و رهبر حکومت اسلامی است، یعنی همانگونه که خداوند سهمی برای خویش قرار داده و خود را سزاوارتر به تصرف در آن دانسته است پیامبر و امام را نیز به همان گونه حق ولایت و سرپرستی و تصرف داده، و گر نه سهم خدا در اختیار پیامبر قرار خواهد داشت و در مصارفی که پیامبر یا امام صلاح می‌داند صرف می‌گردد، و خداوند نیاز به سهمی ندارد.^۱

«۱- در کافی از سماعه روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم خمس به چه چیز تعلق می‌گیرد؟ فرمود به سود و فایده‌ای که مردم تحصیل می‌نمایند خواه اندک باشد و یا بسیار.

^۱ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۱۸۶

و از حکیم مؤذن بنی عبس روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم؟ فرمود بخدا قسم مراد از غنیمت در آیه سود و بهره روزانه است لکن پدرم برای آسایش و رفاه حال مردم بهره سالانه را مقرر داشته است. و بسند دیگر از آنحضرت روایت کرده فرمود هر که از معامله و کسب بهره و فایده‌ای ببرد باید خمس آنرا بفاطمه علیها سلام و ذریه او و ائمه و ذراری آنها بعد از فاطمه علیها سلام بدهد و این خمس منحصر باید بذریه حضرت زهرا سلام الله علیها داده شود مثلاً اگر خیاطی لباسی را به پنج درهم مزد بدوزد یک درهم که خمس آن دستمزد باشد متعلق بما است و ارفاقاً میتواند تا یک سال آنرا مورد استفاده قرار دهد و زنا از گناهان کبیره است روز قیامت در پیشگاه حضرت باری تعالی ذراری حضرت فاطمه علیها سلام ایستاده و میگویند پروردگارا از این مردم سؤال بفرمائید از چه مالی صدق عیال خود را پرداخته‌اند (اشاره بآنست که اگر خمس مال خارج نشود و صدق عیال را بدهند مرتکب فعل حرام و زنا شده‌اند).

در کافی از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم بعضی از اصحاب ما نسبت‌هایی بمخالفین میدهند، فرمود از این قبیل سخنان منصرف شوید سپس فرمود ای ابا حمزه جز شیعیان ما سایر مردم اولاد زنا میباشند، عرض کردم چگونه میتوانند خود را اصلاح کنند؟ فرمود خداوند در قرآن دستور داده چه در قرآن از اموال مردم سهمی برای ما مقرر داشته و آن خمس است که فقط و منحصر خمس متعلق بماست و به سایر مردم حرام است ای ابا حمزه از زمین‌هایی که گرفته شده و عایداتی که بدست آمده باید خمس داده شود و لو آنکه از درآمد حاصله اقدام به خرید کنیز و یا تزویج و تهیه اموال دیگری کرده باشند و اگر کسی تمام اموال خود را صدقه و فدا بدهد و بخواهد از آتش جهنم نجات پیدا کند میسر نمیشود زیرا حق ما را از مال خود خارج ننموده است و بدون عذر و دلیلی تصرف در حقوق ما کرده.

۲- در کافی از حلبی روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی لؤلؤ و مرجان و عنبر از دریا بیرون آورده، فرمود خمس در آنها واجب است ابن بابویه از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود هر چه از دریا استخراج شود اگر بهاء آن بیک دینار برسد خمس در آن واجب است.

۳- و از ابو بصیر روایت کرده گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام گنج تا چه مقدار که برسد در آن خمس واجب میشود؟ فرمود اگر بهاء آن به بیست دینار رسید خمس در آن واجب است و در کمتر از آن واجب نمی باشد.

۴- و از ابو بصیر روایت کرده گفت سؤال کردم از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در اندک و بسیار معادن خمس واجب میشود؟ فرمود واجب نیست خمس تا بهای درآمد حاصله از آن بعد از اخراج هزینه به بیست دینار برسد در اینصورت خمس در آن واجب است.

۵- در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود زمینی که اهل ذمه مانند یهود و نصاری از مسلمانان خریداری میکنند باید خمس آنرا از خریداران وصول نمود.

۶- در تهذیب از عمار روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام بودم شخصی آمد و از آنحضرت سؤال نمود اشتغال بامور دیوانی چه صورت دارد؟ فرمود وارد نشوید مگر آنکه توانائی و قدرت بر حرفه و مشاغل دیگری نداشته باشید و چنانچه از راه اضطرار و بیچارگی داخل شدید در امورات دولتی مالیکه از آن راه بدست آوردید باید خمس آنرا برای ما اهل بیت بفرستید.

۷- در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر غنیمت که در کارزار و رزم بدست آمد باید اول خمس آن را خارج کنند و باقی را میان جهاد کنندگان قسمت نمایند.

نتیجه بحث: با وجود این همه دلایل نقلی از قرآن و روایات که در رابطه با این بحث کردند که اولاً خمس واجب است و ثانیاً این که غنیمت فقط مخصوص غنائیم جنگی نیست و به هر سود و نفعی که به انسان می رسد گفته می شود و این همه علمای شیعه که در کتب روایی و تفسیری خود از مساله خمس بحث نموده اند، وجوب این مساله در بین شیعه امری حتمی و یقینی است.

پرداخت خمس از زمان ائمه معصومین (علیهم السلام بوده است و حتی وکلایی برای دریافت خمس ارسال می شدند تا یادآور این واجب الهی باشند و از آن در جهت منافع

جامعه اسلامی استفاده می شده است و شاید بشود گفت که در بحث اقتصاد اسلامی له نحوی نقش مهم بازی می کند که البته جای مقالات دیگری است.

و با توجه به آثار پربرکت اطاعت و عبودیت خدا تلاش شود تا این امر در بین مردم مخصوصا اشخاصی که مشمول خمس هستند رواج یابد و همچون نماز و روزه که به عمل آن اهتمام ورزیده می شود این حکم الهی هم عملی شود تا هم از برکات مادی و دنیایی آن مسلمین بهره مند شوند و هم از فیوضات معنوی و اخروی آن شخص خمس دهنده بهره مند گردد. به امید اینکه با ظهور حضرت ولی عصر عجل همه احکام الهی جامع عمل ببوشد. ان شاء الله.

فهرست منابع

*قرآن کریم

(۱) بروجردی، محمدابراهیم، تفسیر جامع، چ ششم، کتابخانه صدر، تهران چاپ:

۱۳۶۶

(۲) جباری، محمدرضا، مقاله «بررسی تاریخی وضعیت خمس در عصر حضور

ائمہ (علیہم السلام)، محمدجواد یآوری سرتختی، شماره ۱، تاریخ در آئینه

پژوهش، بهار و تابستان ۱۳۹۲

(۳) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم

السلام، قم، چاپ: اول سال چاپ: ۱۴۰۹

(۴) دانش، موسی، ترجمه تفسیر کاشف مغنیه، دفتر تبلیغات اسلامی بوستان کتاب

قم، قم ۱۳۷۸

(۵) سبحانی، جعفر، کتاب خمس، ناشر: مشعر/ سال نشر: ۱۳۸۸

(۶) شریف الرضی، محمد بن حسین ترجمه و شرح نهج البلاغه، مترجم: فیض

الاسلام اصفهانی، علی نقی، محقق مصحح: فیض الإسلام، چ پنجم، مؤسسه چاپ و

نشر تألیفات فیض الإسلام، تهران، ۱۳۷۹

- (۷) طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴
- (۸) قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، چ ششم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱
- (۹) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ: چهارم ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷
- (۱۰) مکارم شیرازی ناصر خمس پشتوانه استقلال بیت المال، انتشارت مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) / سال انتشار ۱۳۷۹
- (۱۱) _____ تفسیر نمونه ، چ دهم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱
- (۱۲) موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسيلة، قم چاپ: اول مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۴۰۹
- (۱۳) نجفی، محمد حسن، صاحب الجواهر، مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی بیروت، چاپ: هفتم: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴

مقالات

- (۱) خمس چالش ها و راهکارها/تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی/ ناشر: مؤسسه بوستان کتاب/ سال نشر: ۱۳۸۶
- (۲) تأملی پیرامون صاحبان (مستحقین) خمس، عباس نیکزاد، شماره ۵۰ (علمی - پژوهشی) فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، زمستان ۱۳۹۶
- (۳) بررسی خمس از دیدگاه شیعه و اهل سنت»، مجله طلوع بهار ۱۳۸۷، شماره ۲۵